

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت المیادین لبنان، یکشنبه ۱۸، دسمبر
نوشته: دکتر موفق محادین، نویسنده و تحلیلگر سیاسی اردنی
برگردان: احمد مزارعی
۱۹ دسمبر ۲۰۲۲

منافع منطقه‌ی ایران چیست؟



تعیین کننده موضع گیری های ایران منافع اقتصادی و یا اعتبارات ایدئولوژیک شیعه گری نیست بلکه بنا به دلایل وجود قوانین تضادها و فعل و انفعالات گوناگون در میدانهای سیاسی می باشد.

همزمان با گسترش روابط میان چین، روسیه و ایران، همچنین با بحرانی شدن برنامه هسته‌ی و کمک ایران به سوریه، مقاومت فلسطین و لبنان، اضطرابات و ناآرامیهای اجتماعی که شامل مجموعه ای از نوع انقلابات رنگی و گروههای تجزیه طلب که رابطه شناخته شده ای با ناتو، کشورهای نفتی خلیج و فرستنده های تلویزیونی فارسی زبان داشتند، آغاز گردید و در همین مسیر تهاجمات تبلیغاتی علیه ایران از چند کشور عربی نیز شروع به کار کرد.

اضافه بر مراکز تبلیغاتی معروف در لبنان، مجموعه معتابهی از مقالات در روزنامه های اردن نیز منتشر می گردد که همه یکصدا از دخالت ایران در این و یا آن کشور داد سخن می زنند بدون این که کمترین اشاره ای به دخالتهای سیاسی امریکا و یا وجود پایگاههای نظامی این کشور در منطقه به میان بیاورند و یا در مورد دیکنه کردن و یا سفارشات اقتصادی وابسته به متروپلهای سرمایه داری، همچون بانک و صندوق بین المللی پول مطرح کنند. همین نویسندگان و مقالاتشان دخالت آشکار و تجاوزکارانه ترکیه را در امور سوریه، عراق و لیبیا را ندیده می گیرند.

منافع ایران در منطقه بر اساس تعریف های متداول علوم سیاسی موجود در قاموسها به معنای واقعی منافع، چیست، از آنسو مراکز تبلیغاتی وابسته به ناتو به طور تکراری از امپریالیسم روسیه صحبت می کنند و فراموش می کنند که

خصالت اساسی و تعریف روشن امپریالیسم صدور سرمایه و تسلط بانکها بر اقتصاد جهانی است امری است که در مورد روسیه صدق نمی کند.

اما در مورد ایران و مفهوم منافعش باید گفت ، اگر درگیری برای تسلط بر بازارها و منابع و مراکز مالی و پولی جهانی آن تعریف اساسی این مفهوم است، باید دید ، منافع ومصالح ایران در کدام یک از تعریفهای فوق قرار دارد، در صورتی که روابط اقتصادی و مشخصات تجاری ایران هیچ ارتباطی با ساختارهای متروپلها و عملکردهای جهانی آنها ندارد، و آیا ایران برای دسترسی به مواد خام و یا مواد اولیه و یا نیم ساخته در دیگر کشورها دست به اعمال غارتگرانه و حیف و میل ثروت آنها زده است؟

تأکیداً باید گفت که ایران دارای اقتصادی متنوع می باشد و تنها مختصر به نفت و گاز نیست، ایران همچنین دارای روابطی بسیار گسترده با دیگر کشورهای جهان است، ایران همچنین از اعتبار بسیار خوبی در زمینه تولید صنایع سنتی و دستی که ریشه در تاریخ این کشور دارد همچون قالیبافی ، تولید زعفران ، پسته و غیره که معروفیت جهانی دارد، اما کالاهای تولیدی ایران همچنان خارج از بازارهای مناسبات سرمایه داری زد و بندهای گروههای مافیائی مالی بورس لندن و «وال استریت» قرار دارد ، بلکه امپریالیستها عامدانه خودشان برای بی اهمیت جلوه دادن نقش اقتصاد متنوع و رقابتی ایران می کوشند در این مورد صحبتی به میان نیاورند(اما طلائی که پاک است چه منتش به خاک است. مترجم)

آنان با انکارشان و سکوت در این مورد ، ایران را از این تهمت مبرا می دارند که می کوشد سهمی در حیف و میل کردن بازار جهانی و تسلط بر منابع آنها به خود اختصاص داده است و با این وضعیت روشن می گردد که ایران جزئی از کشور هائی نیست که در بحبوحه درگیریهای تسلط بر منابع جهانی برای خود نقشی و برنامه ای داشته باشد، پس در اینجا مفهوم منافع کدام است؟ امپریالیستها ناتوان از آن نیستند تا با سیاست بازبها و فریبکاری های گوناگون خود کالای دیگری خلق کنند و در راه پیش برد اهداف خود به کار بگیرند و آن کالای ایدئولوژیک است ، کالائی که در دوره حضور شوروی سوسیالیستی که بزرگترین منبع نظام سوسیالیستی در دوره خود بود به کار گرفتند.

با این حساب بنا به گفته امپریالیستها منافع اقتصادی برای ایران وجود ندارد تا به خاطر آن بر بازارها و غارت آنها دست بزند، اما طبق نظرات امپریالیستها کالای ایران ایدئولوژیک می باشد، ببینیم این ایدئولوژی چیست؟

به اساس منابع مراکز امپریالیستی در اروپا و امریکا این ایدئولوژی شیعه گری می باشد که ایران می کوشد در بازار منطقه رواج دهد، در اینجا ما با این سؤال روبه رو میشویم که این ایدئولوژی چیست؟

اگر منظور امپریالیستها شیعه گری می باشد به طور طبیعی ما با سؤالات زیر روبه رو می شویم:

یک – به اساس ضرب المثل معروف: «خیری که به خانه روا است به مسجد حرام است»، چرا ایران در درجه اول اقدام به صدور کالای شیعی خود در داخل ایران و در میان سنی مذهب داخلی نمی کند؟، و یا چرا طرفداران ایران در مقاومت لبنان و عراق به اینکار دست نمی زنند و برای مثال حزب الله لبنان به جای این که به مسیحیان و سنیهای لبنان آموزش نظامی بدهد، و اگر ایران شیعه گری را کالای صادراتی تلقی می کند چرا اقدام به شیعه کردن آنها و صدور این کالای شیعی به کشورها و یا سایر شهرهای منطقه نمی کند؟

مثالهای دیگر در این مورد : موضعگیری ایران در مورد آذربایجان شیعه و ارمنستان مسیحی چگونه است و چرا معمولاً ایران به طرفداری از ارمنستان مسیحی اقدام می کند و نه آذربایجان شیعه؟ به عکس ترکیه سنی مذهب از آذربایجان شیعی حمایت می کند ، ایران در ارمنستان نه منافع مهم اقتصادی دارد و نه رودخانه مشترکی که بتواند از آبهای آن استفاده کند ، همچنین دیده نشده که ایران بخواهد کالای شیعه گری خود را در میان ارمنیها صادر کند ، ایران

درارمنستان نه منافع اقتصادی دارد و نه منافع ایدئولوژیکی ، اما برای حفظ موقعیت سیاسی و جغرافیائی منطقه ئی خود، منافع سیاسی دارد که باید از آن دفاع کند.

دوم – در مورد موضعگیری ایران نسبت به ونزوئلای مسیحی که از نفت ایران به عنوان کمک استفاده کرد و ارسال نفت از طرف ایران در رقابت با شرکتهای بین المللی نفتی هم نبود، و باید این کمک اقتصادی ایران به ونزوئلا را نیز در عرصه سیاسی ارزیابی نمود.

سوم: در مورد کمک به سازمانهای بزرگ فلسطینی که دارای نظرات متفاوتی در میان خود هستند اما همه آنها در اکثریت خود سنی می باشند و ایران در فلسطین هیچ گونه منافع اقتصادی و یا ایدئولوژیکی شیعی ندارد.

شاید بسیاری ندانند که بعد از سقوط شاه که دست نشاندۀ امریکا بود و پس از سقوط حکومت ملی دکتر محمد مصدق توسط امریکا بر سر کار آورده شد، رابطه ایران با سازمانهای مقاومت فلسطینی همچون حماس ، یا جهاد اسلامی که هنوز وجود نداشتند و یا حتی با سازمان الفتح هم برقرار نشده بود، پس از حوادث ماه سپتمبر ۱۹۷۰، در اردن تعدادی از افسران ارتش اردن به سازمان الفتح پیوستند ، بعد از پیروزی انقلاب ایران ، افسران اردنی که به سازمان الفتح پیوسته بودند تجربیات خود را در خدمت سپاه پاسداران ایران که تازه تأسیس شده بود نیز قرار دادند، و این هنگامی بود که ارتش سابق ایران به دستور خمینی منحل گردید، یکی از علتهای اصلی دشمنی اسرائیل با یاسر عرفات جریان کشتی ایرانی حامل اسلحه به نام «کارن» در سال ۲۰۰۰، بود، این کشتی حامل اسلحه بود و قرار بود از طریق سودان، وارد غزه شود و نه مسائل ایدئولوژیک شیعی ، بلکه به دلایل سیاسی و قانون عملکرد تناقضات در آن مرحله بود:

یکم – تضاد اصلی در جهان کنونی امپریالیسم جهانی به رهبری امریکا می باشد، امریکا شبه و یا تعریفی عمومی نیست بلکه نظام سرمایه داری که در حد اعلا و اوج جنایت خود قرارداد و ابزارهایش عبارت است از بازار آزاد، نیو لیبرالیسم وحشی به عنوان فاشیسم جدید، پیمان ناتو ، بانک و صندوق جهانی پول، ارتش شبه متشکل از مأموران اطلاعاتی ، تشکیل دهندگان و مربیان قاتلان و تکفیریها، گروههای انقلابات رنگی و نمایندگانشان همچون سورس ، لیفی، کارنیگی، بوبویچ و ...

دوم – تضاد رئیسی و یا تضاد موجود و ملموس در این مرحله ، در منطقه خاورمیانه و ملت‌های ساکن در آن ، بر اساس نظریه ای که عبد الناصر * سالها پیش پس از جنگ ۱۹۶۷، اعراب و اسرائیل ، مشخص نمود که اسرائیل پایگاه اصلی استعمار غرب در منطقه بوده و نباید با آن سازش کرد، اما ترکیه با اسرائیل ، پیمان ناتو و بانک جهانی رابطه دارد ، به عکس ترکیه، ایران و کشورهای دیگر عربی همچون ، عراق ، سوریه ، یمن، فلسطین ، لبنان به ویژه «مقاومت لبنان»، تونس ، مغرب و الجزایر تا کنون با اسرائیل رابطه برقرار نکرده اند ، در این میان مرکز «هرتزیلیا» مهمترین مرکز تصمیم گیریهای ستراتیژیک در اسرائیل در سال ۲۰۰۰، تنها ایران را مورد هدف و دشمنی خود قرار داده و به تبع اسرائیل امریکا و غالب کشورهای غربی در وارد آوردن انواع تحریمها و فشارها بر ایران هماهنگ شده اند که بر همه ما عملکردشان روشن است.

اما آنچه که پر واضح است این که ایران در این میان استقلال خود را حفظ کرده و نمی خواهد به زیر سلطه سیاستهای استعماری غرب قرار بگیرد و دشمنی امپریالیسم امریکا، ارتجاع منطقه و اسرائیل با ایران را باید از این منظر نگریست.

* - جمال عبدالناصر خود را شاگرد مدرسه مصدق می دانست ، در مصر خیابانی به نام مصدق نامگذاری شد و یک ایستگاه رادیونی مدتها برنامه فارسی اجراء می کرد، قابل ذکر است که یکی از کارهای مهم مصدق بعد از نخست

وزیر شدن اخراج نماینده اسرائیل به عنوان نماینده استعمار بود. در یکی از کتابهای حسنین هیکل ذکر شده است که عبد
الناصر مبلغ ۵۰۰۰۰ دالر به آقای خمینی برای مبارزه اش علیه رژیم شاه در آن سالها کمک نمود، در آن زمان یعنی سال
۱۳۴۱، ت مام مراجع تقلید که پنج نفر و وعاظ السلاطین بودند» شدیداً با خمینی مخالفت کرده و حتی دشمنی آشکار
خود را ابراز نمودند.